

پنج غنیمت در زندگی

امام باقر علیه السلام به جابر بن یزید جعفی نصیحت می‌کنند که
«یا جابر! اعْتَمِرْ مِنْ أَهْلِ زَمَانِكَ حَمْسًا»؛ پنج چیز را در رابطه با مردم

زمانه غنیمت بشمار:

«إِنْ حَضَرْتَ لَمْ تُعْرِفْ»؛ اگر در مجلسی حاضر بودی و تو را نشناختند.
«وَ إِنْ غَبْتَ لَمْ تُعْتَقَدْ»؛ و اگر از جلسه خارج شدی و به دنبال نبودی.
«وَ إِنْ شَهِدْتَ لَمْ تُشَاوَرْ»؛ و اگر در جلسه بودی و از تو نظر نخواستند.
«وَ إِنْ قُلْتَ لَمْ يُقْبَلْ قَوْلُكَ»؛ و اگر نظر دادی و نظرت را نپذیرفتند.
«وَ إِنْ حَطَبْتَ لَمْ تَزَوْجْ»؛^۱ و اگر خواستگاری کردی و جواب رد دادند.

این پنج حالت را غنیمت بشمار، نه این‌که از آن‌ها ناراحت شوی، چون امام می‌خواهند که ارزش‌های اهل دنیا برای ما ملاک کمال و خواری قرار نگیرد. مگر تو در این دنیا نیامده‌ای که عبودیت خود را تقویت کنی، سراسر این دنیا امتحان است برای اظهار عبودیت. اگر گفتند: فلانی فقیر است، بگو: الحمد لله، ولی اگر ثروتمند بودی، باید بدنت بلرزد که در آن شرایط چطوری مسئولیت‌ها را انجام دهی تا از امتحان الهی سرفراز خارج شوم و خللی در عبودیت‌م وارد نشود. امام در قسمت پنجم نصیحت خود می‌فرماید: اگر خواستگاری کسی رفتی و دست ردّ به سینه‌ات زدند این را غنیمت بشمار، چون مصلحتی در آن است، سرّی پشت قضیه است. حالا ما آزاد و راحت می‌شویم از این تصورات که اگر ازدواج نکنیم مسائل جنسی‌مان چه می‌شود. آیا ارضای مسائل جنسی در زندگی اصل است و یا فرع؟ می‌فرمایند وقتی تو وظیفه‌ات را انجام دادی و خواستگاری هم کردی ولی تو را ردّ کردند، به چیزی دسترسی پیدا می‌کنی که به نحو دیگری از مزاحمت مسائل جنسی‌ات راحت می‌شوی و می‌توانی به سیر روحانی خود ادامه دهی. خود خداوند در قرآن فرمود: «وَلَيْسَتَعَفِيفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُعْطِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛^۱ یعنی آن‌هایی که امکان ازدواج برایشان نیست، عفت خود را نگهدارند تا خداوند به نحوی آن‌ها را با فضل خود غنی گرداند. خدا نوری به قلب تو می‌اندازد که دیگر این مشکل را نداری. جوانی که برای خدا و برای حفظ عفت به خواستگاری می‌رود، اگر او را بپذیرند، عفتش حفظ می‌شود، اگر نپذیرند باز خداوند به نحو دیگر عفتش را حفظ می‌کند. امام باقر می‌خواهند ما متوجه شویم قواعدی در این عالم جاری است که محرومیت‌های دنیایی، حقیقتاً محرومیت نیست. لذا می‌فرمایند: آنها را غنیمت بشمار. پس نمی‌شود گفت فقر نشانه حقارت و ثروت نشانه بزرگی است. اشتباه از این‌جاست که وقتی پروردگار ما، ما را امتحان می‌کند، وقتی به ما نعمت می‌دهد، می‌گوییم: «اگر من»؛ مرا گرامی داشت و وقتی ثروت ما را محدود می‌کند، می‌گوییم: «آهان»؛ یعنی به من بی‌مחلی کرد و مرا سبک شمرد، می‌فرماید: «کلا!»؛ یعنی این چنین نیست، یعنی این بینش که غنا نشانه شرافت، و فقر نشانه خواری است، غلط است. اگر توانستید دو آیه اول را به دو آیه بعد وصل کنید، دل من راضی می‌شود، چون بعد از این دو آیه که عرض شد، خداوند جایگاه ثروتمندی در دنیا را تحلیل می‌کند و می‌فرماید: «بَلْ لَا

۱ - تحف العقول، قسمت روایات امام باقر، حدیث اول.

۲ - سوره نور، آیه ۲۲.

تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ وَ لَا تَحَاصُّونَ عَلَي طَعَامِ الْمِسْكِينِ؛ یعنی چون نگاهتان به ثروت و فقر غلط است. ثروت را در مسیر صحیح که عبارت باشد از تکریم یتیم و اطعام مسکین، مصرف نمی کنید، فرهنگتان به دست آوردن ثروت سرگردان است. اگر ثروت در فرهنگ دینی وارد زندگی انسان ها شود، آن ثروت جهت دار است و در مسیر خاص قرار می گیرد و در نتیجه نه فرد ثروتمند فاسد می شود و نه جامعه، ولی اگر همان ثروت در فرهنگ غیر دینی، وارد جامعه شود آن ثروت، سرگردان می شود و شخص ثروتمند را به غرور و کبر می کشاند و جامعه را هم گرفتار تفاوت طبقاتی می کند.

کتاب جایگاه رزق انسان در هستی / اصغر طاهرزاده